

# نام شعر: دستهای تو (خدا)

دستهایت را در آن هنگام  
که قلب آسمان گیرد  
در آن هنگام که می خواهد  
دهد جان بر همه دنیا  
دوستش دارم  
تو آن دست های زیبا را  
از آن قلب من کردی  
ولی من که ندانستم  
چه گوهر در دلم دارم  
ولی الان نمی بینم  
در این دنیا چنین دستی  
تویی آن کس که در قلبم  
همیشه بودی و هستی  
اگر من مانده ام تنها  
فقط تقصیر خود دانم  
که آن دستهای زیبا را  
از آن دیگری کردم  
اگر در قلب من دیدی که عشق  
دیگری بوده  
بدان که اشتباه کردی  
که آن عشق به تو بوده

شاعر: مازیار کیایی درونکلا

دبیر مربوطه: جناب آقای تیموری

طراحی و اجراء: محمد حسین فدوی